

متن پرسش

سلام علیکم: آیا کلمات خداوند سبحان در قرآن و انبیاء و اوصیای ایشان نیز باید با بیطرفی مورد قضاوت قرار گیرد و اگر میل نفسانی انسان به سمت اثبات و حقانیت سخنان خدا و پیامبر باشد مانع اندیشه و قضاوت صحیح درباره کلمات ایشان است؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: پیش‌فرض نداشتن برای فهم سخنان آسمانی، غیر از گرایش نداشتن نسبت به آن سخنان است. یادداشت‌هایی که در مورد «زبان قرآن» اخیراً تایپ شده است، قسمتی از آن را خدمتتان ارسال می‌دارم: موفق باشید

۱. قرآن از یک حقیقت واحدی صادر شده و به همین جهت تمام آیات آن دارای پیوستگی هستند. مشکل آن‌هایی که در قلب هایشان زبغ است آن است که [۱] کلام خدا را با کلام مردم عادی مقایسه می‌کنند.

۲. آن «الله» که جامع کمالات است در قرآن با ما سخن می‌گوید و در سخنان خود، خود را به ما نشان می‌دهد. اگر او را بشناسیم می‌توانیم به سخن او گوش فرا دهیم. قرآن، قرآن‌خدایی است که به سخن آمده و با ما در کتابش آشکار می‌گردد. باید بتوانیم از طریق قرآن در حضور خدایی قرار بگیریم که با ما سخن می‌گوید. امام صادق «علیه‌السلام» در همین رابطه می‌فرماید: «لَقَدْ تَجَلَّى اللَّهُ لِحَلْقِهِ فِي كَلَامِهِ وَ لَكِنَّهُمْ لَا يُبْصِرُونَ» (بحارالأنوار، ج ۸۹، ص ۱۰۷). بدرستی که خداوند در کلام خود برای بندگان خود تجلی کرده است و لیکن آن‌ها نمی‌بینند.

۳. قرآن اسرار حضور خداوند در عالم را بر روی ما باز می‌کند از آن جهت که هماهنگ تکوین عالم است. یعنی از یک جهت حضور خدا در عالم و دیگر حضور خدا در کلام او به میان آمده است و اگر هرکس در کلامش حاضر می‌شود، خداوند در قرآن ظاهر شده آن‌هم در عین هم‌زبانی با انسان‌ها. قدرت درست‌دیدن را به انسان‌ها هدیه می‌کند.

۴. قرآن همان بودن خدا در عالم است، به همان اندازه که برای دین خدا در مظاهر باید «وجودبین» شد و از محدوده‌ی ماهیات عبور کرد، به همان اندازه باید با تدبّر در قرآن و نگاه وحدت‌نگری یعنی تمامیتی معنادار، خدا را در قرآن دید.

۵. برای شنیدن کلامی این‌چنین گسترده که خدا را می‌نمایاند باید گشودگی لازم را در خود ایجاد کنیم و از تنگناهای سوء فهم و سوء اخلاق خود را آزاد نماییم و گرنه سخن گسترده‌ی خدا را در شخصیت تنگ خود اسیر می‌کنیم، و این است معنای تفسیر به رأی.

۶. برای گوش سپردن به سخن خدا لازم است ابتدا به «خود» گوش فرا دهیم تا بیابیم فطرت ما چه چیزی را طلب می‌کند و با این گشایش اولیه می‌توان به سراغ خدا رفت و از ضیق قلبی آزاد شد. شنیدن سخن خدا با گوش فطرت ممکن است و آن تنها گوش‌ی است که همواره در مقابل سخن خدا گشوده است. مگر نه آن است که تنها کسی که می‌فهمد گوش فرا دهد؟

۷. زبان واقعی که سطحی و همراه با پراکنده‌گویی نباشد، حتماً زبانی است که تأویل‌بردار است، زیرا بی‌بنیاد و بی‌ریشه نیست. و زبان قرآن، زبانی است که به عالی‌ترین شکل می‌خواهد حقیقت را ظاهر کند. لذا به همان اندازه وجوه مستور و تأویلی دارد در عین آن که دریچه‌ای به سوی حقیقت است و هنر قرآن به ظهور آوردن حقایقی است که مستورند و این غیر از گزارش کردن حقایق است و به همین جهت حقیقت را در متن حادثه‌های تاریخی نشان می‌دهد و هر آنچه هست را با زبان اشاره نشان می‌دهد.

۸. قرآن، عامل اظهار حقایقی است که در هستی پنهان‌اند و از این جهت خداست که سخن می‌گوید و نه انسان. خداوند خود سخن می‌گوید و تجلی آن حقیقت، صورت گفتار می‌شود و اولین کسی که از آن گفتار بهره‌مند می‌گردد، رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» می‌باشند. این معجزه نیست که خدا سخن می‌گوید؟

۹. با نظر به قرآن، «بودن» ما برای ما روشن می‌شود و احساسی به وسعت حضور در همه‌ی عوالم به سراغ ما می‌آید.

۱۰. اندیشیدن به سخن خدا در قرآن، یک نوع گوش‌دادن به ندای خداوند است و این مهم‌ترین و سخت‌ترین کاری است که انسان باید برای شخصیت خود شکل دهد از آن جهت که خداوند در عین آشکاری در کلام قرآن، خود را در همان کلام مخفی نگه داشته و در صورتی انسان می‌تواند این دو نحوه نگاه را در خود پیرواند که به توحید جمع اضداد برسد، توحیدی که حضرت حق در عین اول بودن، آخر است.

تَشَابَهُ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ» اما آنها که در قلوبشان انحراف است، به دنبال متشابهاتند، تا فتنه انگیزی کنند و به دنبال تاویل آن هستند.